

نگارش به مثابه سلوک

آقای محمد حسین قدوسی . جلسه ۱۵۷

جاده ابریشم . ۵ شهریور ۹۸

از فرط خستگی کارهای روزمره و حوادث اعصاب خوردکن و شلوغ پلوغی هایی که دور و برتون رو گرفته به دنبال یک تفریحی هستید. یک تفریح خونگی توی خونه یک فیلم سینمایی یک نواری که گوش بدید سرودی که گوش بدید و بتواند دقایقی شما را از این همه خستگی دور بکنه

کمی در آن فرو برید از این چاه زندگی بیرون بیابین، فکر و خیال رو دور بریزید. شنیده اید که کانالهایی هست که پادکستهایی رو ارائه می دهد . پادکستهایی که روایت یک جریان واقعی یک رویدادی که در یک نقطه ای در جهان روی داده و جذاب و زیبا هست و خوب هم روایت می شود.

بخاطر سادگی و سهولت این تفریح تصمیم می گیرید که یک پادکستی را انتخاب کنید و گوش بدید. وارد یکی از کانالهای پادکست می شوید و در لیست اسامی آنها دنبال یک چیزی هستید که برایتان جذاب تر باشه و کمی روحتان را جلا بدهد. روانتان را آرام کند. همینطور که دارید لیست اونها رو نگاه می کنید به یک نامی می رسید که نظرتان را جلب می کند، **SilkRoad** ، جاده ابریشم. تعجب می کنید که این چی می تواند باشد و تصمیم می گیرید که دقایقی از اون رو گوش بدهید. تا ببینید که آیا محتوایش هم مثل نامش جذاب هست یا نه ! اما به محض اینکه دقایقی از اون رو گوش می دهید چندان برایتان جذاب هست و عجیبه و شگفت انگیز که دیگر نمی توانید ترکش کنید و چندساعت متوالی گوش کردن را ادامه می دهید تا به انتها برسد .

SilkRoad یا جاده ابریشم اسم یک سایت زیرزمینی است در فضای اینترنت تاریک **DarkWeb** که در واقع بزرگترین سایت و مرکز معامله مواد مخدر و قاچاق جهان بوده است . یکی چیزی شبیه آمازون، اما در فضای زیرزمینی، اونهم برای قاچاق. یک مرکز افسانه ای، یک امپراطوری عظیم اما همه اش بصورت زیرزمینی و قاچاق و غیر قانونی.

اما بیش از اینکه اصل این امپراطوری جلب توجهتون بکنه و باعث شگفتی شما بشه ، شگفت انگیزتر از اینها این هست که امپراطور این مرکز افسانه ای، صاحب این سایت موسس و مالک این سایت یک جوان زیر سی سال است که در حدود بیست و شش سالگی تصمیم میگیرد این کار را راه اندازی کند و در عرض یک سال همه کارهای اونرو به تنهایی انجام می دهد . در نظر بگیریید کار به این عظمت که نیاز به یک سازمان عریض و طویل با چند صد کارمند و متخصص و مهندس و دکتر دارد توسط یک جوان، به تنهایی صورت می گیرد. تمام مراحل طراحی، راه اندازی و تاسیس و اداره اون

با زهم عجیب تر از این امپراطور تنها که امپراطوری اش را به تنهایی راه اندازی و اداره می کند این هست که این جوان تمام این کارها را بر روی یک لب تاب انجام میدهد بدون هیچ تجهیزات اضافی، و هیچ چیز دیگری را به کار نمی گیرد.

باز هم عجیب تر از این عجیب تر این هست که این فرد از ابتدای شروعش و قبل از آن و از ابتدای اینکه زندگی مستقلش را در خانواده شروع کند و حتی بعد از اینکه به این ثروت عظیم میلیارد دلاری می رسد هرگز اعتقاد به زندگی اشرافی، بلکه اعتقاد به زندگی معمولی هم ندارد. و مانند یک خانه به دوش زندگی می کند. و گاهی در خوابگاههایی زندگی می کند که بقیه خانه به دوش ها و تهیدست ها در آنجا و در نهایت فقر زندگی می کنند و این هم مانند یکی از آنها پشت لب تابش، امپراطوری اش را اداره می کند.

تنها فرقی که با بقیه آن افراد بی خانمان یا ضعیف یا تهیدستی که در آن خوابگاه هستند دارد این است که آنها مشغول عیش و نوش یا بیکاری یا ولگردی هستند و این روزی 18 ساعت با لبتابش کار می کند و تک تک جزئیات امپراطوری اش را مدیریت می کند. و هزاران پلیس و مخالف و رقیب در مقابل او ناتوان هستند و در طول سه سالی که این امپراطوری برقرار است، تا وقتی که بصورت کاملا اتفاقی لو می رود و دستگیر می شود زندان می شود هیچکس حریفش نیست.

او در اوج قدرت امپراطوری اش و در حالیکه بزرگترین سایت تبادل قاچاق و مواد مخدر رو در جهانمدیریت می کند و مالکیت دارد و ثروت افسانه ای دارد ناهارها به یک ساندویچ کره بادام زمینی اکتفا می کند. و همزمان روزی چندساعت مراقبه ای به روش یوگا مشغول است. و هیچکس او را به عنوان چنین امپراطوری نمی شناسد.

بعد از شنیدن این پادکست و مطلع شدن از این روایت که سرتاسر واقعیت است و تمام با اسناد معتبری تطبیق می کند شما به شدت فکرتان مشغول می شود که چطور یک چنین آدمی به چنین قدرت، اقتدار و موفقیتی می رسد در آن جهتی که می خواهد و انسان خودش در راه اهدافی بسیار کوچکتر با توان و قدرتی به مراتب بیشتر با امکاناتی به مراتب بیشتر اینطور درجا می زند و موفق نمی شود. اون چه چیزی دارد که ما نداریم؟ و چه کاری کرده؟

یک جوان 26 ساله به سرعت و در زمان کوتاهی که نزدیک یک سال هست به اندازه هزاران متخصص، مالک، ثروتمند و موسس موفقیت پیدا می کند د رجهدت اهدافی که می خواهد و ما به یک هزارم از آن چیزی که در ذهنمون هست نم ی‌توانیم برسیم. انگار که خداوند آنرا از ابتدا و بطور مادرزادی متخصص در موفقیت آفریده. و ما را متخصص شکست. احساس می کند که تنها تخصص ما شکست خوردن هست.

او چه راهی رفته که ما نمی توانیم برویم. چه جاده ابریشمی پیموده؟ آیا درون هریک از ما جاده ابریشمی نیست که ما را در تجارتی که زندگی مان هست به موفقیت های بزرگ برساند؟

آیا هر یک از ما جاده ابریشمی هست که ما را از غرب وجود به شرق جان می رساند؟ و ما را به دریای موفقیت می برد؟ و تجارت زندگی مان را سودآور می کند و از این همه ضرر جلوگیری می کند؟

آیا یک جاده افسانه ای تاریخی و اسطوره ای ابریشم درون هریک از ما وجود دارد که ما از آن غافل هستیم؟ جاده ابریشم ما چیست؟